

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز
سال چهارم شماره ۱۳ بهار ۱۳۸۸

رابطه‌ی ابعاد شخصیت و جهت‌گیری مذهبی

دکتر هادی بهرامی احسان - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تهران
دکتر سعید پورنقاش تهرانی - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تهران

چکیده

به‌منظور بررسی روابط بین جهت‌گیری مذهبی و شخصیت براساس نظریه‌ی آیزنک، ۸۰ آزمودنی که ۴۰ نفر آنان زن و ۴۰ نفر دیگر مرد بودند، به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌ی شخصیت آیزنک پاسخ دادند. هم‌چنین به‌منظور ارزیابی جهت‌گیری مذهبی، مقیاس جهت‌گیری مذهبی بهرامی احسان، اجرا شد. این مقیاس چهار بُعد جهت‌گیری مذهبی، سازمان‌نیافتگی مذهبی، بیش‌ارزنده‌سازی و کامجویی را ارزیابی می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین زنان و مردان در زیرمقیاس‌های نوروزگرایی، روان‌پریش‌خویی و سازمان‌نیافتگی مذهبی، تفاوت وجود دارد. هم‌چنین بین روان‌پریش‌خویی، نوروزگرایی و جهت‌گیری مذهبی روابط معکوسی به‌دست آمد. هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان داد که متغیرهای جمعیت‌شناختی در کنار متغیرهای نوروزگرایی و روان‌پریش‌خویی قادر به پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی نیستند. تحلیل رگرسیون نشان داد که روان‌پریش‌خویی و نوروزگرایی با جهت‌گیری مذهبی رابطه‌ی منفی داشته و متغیرهای جمعیت‌شناختی سهمی در این میان ندارند.

واژگان کلیدی: شخصیت، جهت‌گیری مذهبی، روان‌پریش‌خویی، نوروزگرایی، سازمان‌نیافتگی مذهبی، بیش‌ارزنده‌سازی مذهبی.

روابط بین ویژگی‌های شخصیتی و مذهبی بودن^۱ تاکنون توسط تحقیقات متعددی به انجام رسیده است، اما جمع‌بندی درخصوص ابعاد و ویژگی‌های شخصیت و مذهبی بودن، همچنان نیازمند بررسی است. برای مثال یافته‌های به‌دست آمده از رابطه‌ی بین روان‌پریش‌خویی^۲ مبتنی بر نظریه‌ی آیزنک (آیزنک^۳ و آیزنک^۴، ۱۹۸۵) و مذهبی بودن مبتنی بر نظریه‌ی آلپورت (آلپورت^۵ و راس^۶، ۱۹۶۷)، علیرغم یافتن شواهد متعددی بر رابطه‌ی منفی بین این دو متغیر، همچنان نامشخص و ناهمسان است (مالتبی^۷ و لوئیس^۸، ۱۹۹۶، مالتبی، ۱۹۹۹).

آلپورت و راس (۱۹۶۷) دو نوع متمایز از مذهبی بودن را از یکدیگر تفکیک می‌کنند. از نظر آنان مذهب می‌تواند دارای جهت‌گیری درونی باشد که به یک مذهب شخصی^۹ اشاره دارد و گاهی می‌تواند بر عضویت در یک گروه قدرتمند، تأمین حفاظت، کسب موقعیت اجتماعی و یا به‌عنوان مکانیزم دفاعی توصیف شود. در این صورت مذهب دارای جهت‌گیری برونی است (آلپورت و راس، ۱۹۶۷؛ کاهو^{۱۰} و میدو^{۱۱}، ۱۹۸۱؛ جنیا^{۱۲} و شا^{۱۳}، ۱۹۹۱؛ مالتبی، ۱۹۹۹). در حالی که در تفسیر آیزنک (آیزنک و آیزنک، ۱۹۸۵)، احتمالاً بعد روان‌پریش‌خویی به‌صورت معنی‌داری با مذهبی بودن، بیشتر از برون‌گرایی^{۱۴} و ابعاد نوروگرایی^{۱۵} ارتباط دارد، اغلب پژوهش‌های انجام شده که با استفاده از مقیاس جهت‌گیری مذهبی (آلپورت و راس، ۱۹۶۷) انجام شده است، شواهدی برای رابطه‌ی معنادار بین نمرات پایین در سایکوتیزم و هر یک از این دو بعد جهت‌گیری مذهبی گزارش نکرده‌اند (جانسون^{۱۶} و دیگران، ۱۹۸۹؛ رایینسون^{۱۷}، ۱۹۹۰).

1- religiosity

3- Eysenck

5- Allport

7- Maltby

9- personal

11- Meadow

13- Shaw

15- neuroticism

17- Robinson

2- psychotism

4- Eysenck

6- Ross

8- Lewis

10- Kahoe

12- Genia

14- extroversion

16- Janson

این در حالی است که برخی از پژوهش‌ها وجود رابطه‌ی منفی بین روان‌پریش‌خویی و جهت‌گیری درونی به سمت مذهب را گزارش کرده‌اند (مالتبی و دیگران، ۱۹۹۵). با این حال حتی در این پژوهش نیز رابطه‌ی معنی‌داری بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و روان‌پریش‌خویی، مشاهده نشده است.

مالتبی و دیگران (۱۹۹۵ و مالتبی، ۱۹۹۹) در تبیین این ناهماهنگی یافته‌ها به تبیین موضوع پرداخته است. مالتبی معتقد است که اغلب مطالعات انجام شده‌ای که به رابطه‌ی منفی معنی‌داری بین روان‌پریش‌خویی و جهت‌گیری مذهبی نمی‌رسند، بر نمونه‌های دانشجویی اجرا شده‌اند. به نظر مالتبی (۱۹۹۵) دانشجویان دانشگاه‌ها، در مقایسه با افراد دیگری که به دانشگاه ملحق نمی‌شوند، عقاید مذهبی را کمتر حفظ می‌کنند. این موضوع با استناد به یافته‌های فورد^۱، (۱۹۶۰)، قابل دفاع ارزیابی شده است. در این زمینه شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، نتایج اندازه‌هایی که به بررسی جهت‌گیری مذهبی درونی- بیرونی در جوامع غیرمذهبی پرداخته‌اند، بی‌اعتبار است (مالتبی و دیگران، ۱۹۹۴؛ مالتبی و لوئیس، ۱۹۹۶؛ مالتبی، ۱۹۹۹). بدین ترتیب اندازه‌های واضح و درستی از سازه جهت‌گیری مذهبی در میان این نمونه‌ها، دیده نمی‌شود.

بر اساس این شواهد به نظر می‌رسد که خطای اندازه‌گیری می‌تواند ناهماهنگی در نتایج به دست آمده از رابطه‌ی بین شخصیت و جهت‌گیری مذهبی را توضیح دهد (مالتبی، ۱۹۹۹). در صورتی که این اصل مورد پذیرش قرار گیرد، می‌توان با حل این مشکل به بررسی رابطه‌ی بین جهت‌گیری مذهبی و ابعاد شخصیت آیزنک پرداخت. مالتبی با چنین رویکردی به استفاده از ابزاری متفاوت ترغیب شده است. وی با بهره‌برداری از مقیاس Age- universal (I-E) (گورساج^۲ و نابل^۳، ۱۹۸۳) تغییراتی را پدید آورده و با استفاده از آن به تحلیل پرداخته است. این مقیاس از جهت‌گیری

1- Ford
3- Venable

2- Gorsuch

مذهبی آلپورت و راس (۱۹۶۷) اقتباس شده و نتایج اصلاح‌شده‌ای از جهت‌گیری مذهبی درونی - بیرونی در اختیار قرار می‌دهد که از نظر مالتبی (۱۹۹۶) می‌تواند به صورت مؤثری در میان نمونه‌هایی که واجد افراد مذهبی و غیرمذهبی است، استفاده شود (مالتبی ۱۹۹۶، مالتبی، ۱۹۹۹). بدین ترتیب مالتبی توصیه می‌کند تا در نمونه‌های آمیخته، این آزمون برای بررسی رابطه‌ی بین جهت‌گیری مذهبی و ابعاد شخصیت، استفاده شود (مالتبی، ۱۹۹۹).

اما از سوی دیگر، تفسیر دیگری نیز وجود دارد. اگان^۱ و دیگران (اگان و دیگران، ۲۰۰۴) به نقش سن در رابطه‌ی بین شخصیت و جهت‌گیری مذهبی پرداخته‌اند. آیزنک و آیزنک (۱۹۸۵) معتقدند که روان‌پریش‌خویی و نوروزگرایی با افزایش سن کاهش می‌یابد. همچنین به نظر می‌رسد که مذهب با جهت‌گیری درونی نیز در آزمودنی‌هایی که سن بالاتری دارند، بیش از آزمودنی‌های جوان‌تر است (فالستی^۲، ریسک^۳ و داویس^۴، ۲۰۰۳). بدین ترتیب سن می‌تواند مسئول کاهش روان‌پریش‌خویی و افزایش جهت‌گیری مذهبی درونی باشد (اگان و دیگران، ۲۰۰۴). به نظر ایگان و دیگران (۲۰۰۴) اغلب تحقیقات در این زمینه، نقش سن را نادیده گرفته‌اند. یافته‌های اگان نیز در تأیید حضور متغیری نظیر سن است. وی با ورود متغیرهای دموگرافیکی نظیر سن و جنسیت، رابطه‌ی بین نوروزگرایی، روان‌پریش‌خویی و برون‌گرایی را با جهت‌گیری مذهبی درونی بررسی کرده و نهایتاً عدم رابطه‌ی معنی‌داری گزارش شده است. اگرچه در این تحقیق نیز رابطه‌ی منفی بین مذهب و روان‌پریش‌خویی به دست آمده است، اما با کنترل سن این رابطه از بین می‌رود. به همین دلیل اگان و دیگران (۲۰۰۴) بر حضور متغیرهای دموگرافیک در مطالعه‌ی رابطه‌ی بین مذهب و شخصیت تأکید دارد.

با این حال به نظر می‌رسد می‌توان درباره‌ی ابزار اندازه‌گیری نیز مجدداً بحث کرد. پژوهش مالتبی (۱۹۹۶)؛ با مقیاس اصلاح شده نتایج متفاوتی را تولید کرده است.

1- Egan
3- Resick

2- Falyssetti
4- Davis

آیا می‌توان با استفاده از ابزار دیگری که به بررسی جهت‌گیری مذهبی از زاویه‌ای متفاوت می‌پردازد، رابطه بین ابعاد شخصیت و مذهبی بودن را مجدداً واریسی کرد؟ این پژوهش هدف عمده‌اش بررسی رابطه مذهب و ابعاد شخصیت در یک جامعه اسلامی و با ابزاری متفاوت است.

روش

جامعه و نمونه‌ی آماری

در تحقیق حاضر، ۸۰ نفر از بزرگسالان در دامنه‌ی سنی ۵۰ تا ۸۲ ساله ($SD=7/14$) و ($M=58/78$) از مسلمانان ایرانی شرکت داشتند. نیمی از نمونه را مردان ($n=40$) و نیمی دیگر را زنان تشکیل می‌دادند ($n=40$). نمونه مورد نظر از شهر مذهبی قم و به صورت تصادفی انتخاب شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

مقیاس جهت‌گیری مذهبی (بهرامی احسان، ۱۳۸۳): برای ارزیابی جهت‌گیری مذهبی مورد استفاده قرار گرفت. براساس مبانی این مقیاس، جهت‌گیری‌های مذهبی فرد نسبت به خود، نسبت به انسان‌های دیگر و نسبت به سایر پدیده‌های هستی معطوف است. این مقیاس دارای ۴ زیر مقیاس است:

عامل نخست متشکل از عبارت‌هایی است که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم رابطه‌ی عمیق و قلبی با خدا، رابطه با مردم براساس آموزه‌های دینی، اتخاذ رفتارهای توصیه شده دینی، عاقبت‌گرایی و توجه به آخرت را نشان می‌دهند. این عامل که مذهب‌گرایی یا جهت‌گیری مذهبی^۱ نام دارد، دارای ۲۸ ماده است.

عامل دوم، استقرار نا یافتگی یا سازمان نا یافتگی از ۱۹ ماده تشکیل شده است که ویژگی عمومی آن تردید، دودلی، ناخشنودی از زندگی و حیات و پریشانی خاطر است.

1- religiosity oriented

سومین عامل این مقیاس که ارزش‌سازی مذهبی نامیده می‌شود، به ارزیابی مثبت و قیده‌های جدی در مناسک مذهبی و ارزش‌سازی مذهبی می‌پردازد. در این عامل ارزیابی‌های انعطاف‌ناپذیر از مذهب و رفتارهای مذهبی مورد بررسی قرار می‌گیرند و مشتمل بر ۹ ماده است. عامل چهارم با ۸ ماده تحت عنوان کامجویی^۱ لذت‌طلبی و ترجیح آن، عدم اعتقاد عمومی به مذهب، تفسیر شخصی از دستورات مذهبی و لذت‌جویی را مشخص می‌سازد.

این مقیاس که مراحل هنجاریابی آن از ۱۳۸۱ آغاز شده است علاوه بر تأمین روایی سازه، روایی مقیاس از طریق بررسی میزان همگرایی و واگرایی آن با مقیاس‌های مشابه و نیز توانایی ایجاد تمایز در بین گروه‌های مذهبی و گروه‌هایی با تمایلات مذهبی کمتر، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین قابلیت اعتماد مقیاس به روش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است که یکی از آنها بررسی میزان هماهنگی درونی^۲ است. ضرایب آلفای کرونباخ برای عامل نخست؛ ۰/۹۳، برای عامل دوم ۰/۸۶، برای عامل سوم، ۰/۷۹ و نهایتاً برای عامل چهارم، ۰/۵۷ به‌دست آمده است. این نتایج به غیر از آلفای عامل چهارم که متوسط ارزیابی می‌شود، در سایر عامل‌ها بالا و مطلوب است. همچنین نتایج به‌دست آمده از روش دونیمه‌سازی معادل ($r=0/88$ و $P<0/000$) است. در این مقیاس برای هر فرد در هر عامل می‌توان یک نمره محاسبه کرد و علاوه بر آن می‌توان یک نمره کلی به‌دست آورد. برای نمره‌گذاری این مقیاس، شیوه‌ای مبتنی بر تبدیل نمرات خام به نمرات استاندارد طراحی شده است که با توجه به تفاوت نمرات آزمودنی‌ها بر اساس سن و جنس نمره فرد در هر عامل و نیز در کل مقیاس محاسبه می‌شود.

به‌منظور بررسی ابعاد شخصیتی از پرسشنامه کوتاه شخصیت آیزنک (EPQ) استفاده شده است. این مقیاس سه بعد شخصیتی نورزگرایی (با ثبات/هیجانی)، برون‌گرایی

1- hedonistic oriented

2- internal consistency

(برون‌گرایی/درون‌گرایی) و روان‌پریش‌خویی را می‌سنجد. همچنین این مقیاس دربرگیرنده مقیاس دروغ است. شواهد روایی و قابلیت اعتماد این آزمون در بررسی‌های متعدد گزارش شده است. از جمله محمدی‌مقدم (۱۳۷۷) به ارزیابی این مقیاس پرداخته است. اعتبار هر یک از مقیاس‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده و روایی آنها به سه روش روایی محتوی، روایی طبقه‌بندی و روایی ملاک مورد ارزیابی قرار گرفته است. محمدی‌مقدم در نهایت برای بررسی قدرت تمایز و پیش‌بینی عضویت گروهی به‌وسیله‌ی پرسشنامه E.P.Q از تحلیل ممیز استفاده کرده است. اعتبار مقیاس (E) ۰/۶۳، مقیاس (N) ۰/۷۸، مقیاس (P) ۰/۵۳ و مقیاس (L) ۰/۵۶ محاسبه شد. تمامی مقیاس‌ها از نظر روایی محتوی تأیید شدند.

یافته‌ها

نتایج این پژوهش در سه بخش ساماندهی شده است. ابتدا ویژگی‌های آماری ابعاد شخصیتی و نیز ابعاد جهت‌گیری مذهبی گزارش و با توجه به اهمیت متغیر جنس، تفاوت این ابعاد در زنان و مردان بررسی شده است. در بخش دوم روابط بین ابعاد شخصیت و ابعاد جهت‌گیری مذهبی بررسی و تحلیل شده و در پایان به بررسی نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی و ابعاد جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی هر یک از متغیرهای شخصیتی پرداخته شده است.

ویژگی‌های نمونه

میانگین و انحراف استاندارد زنان و مردان به تفکیک در جدول شماره یک ارائه شده است. همچنین مقدار t برای ابعاد شخصیت و ابعاد جهت‌گیری مذهبی محاسبه گردیده است.

- فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز
 سال چهارم شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۸

جدول شماره (۱) میانگین و انحراف استاندارد و مقادیر t برای دو جنس

t	زنان ($n=40$)		مردان ($n=40$)		
	میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد	
۲/۴۸**	۲/۶۱	۵/۹۵	۲/۶۷	۴/۴۹	روان پریش خویی
۲/۴۹**	۳/۶۰	۱۳/۶۱	۴/۵۳	۱۱/۳۳	نوروزگرایی
۰/۵۹۸	۳/۲۶	۱۳/۲۴	۴/۱۹	۱۲/۷۴	دروغگویی
-۰/۴۹۸	۳/۶۰	۱۱/۹۸	۳/۷۵	۱۲/۳۸	برون گرایی
-۰/۵۷	۱۱/۵۹	۱۳۰/۲۷	۹/۲۹	۱۳۱/۶۲	جهت گیری مذهبی
۲/۱۳*	۱۵/۴۱	۵۳/۷۶	۱۳/۰۸	۴۶/۹۲	سازمان نیافتگی
۰/۲۴	۶/۸۲	۳۴/۰۰	۵/۴۵	۳۳/۶۷	ارزنده سازی مذهبی
۰/۱۴	۴/۳۳	۲۰/۶۸	۴/۵۹	۲۰/۵۴	کامجویی

* $p < 0.05$

** $p < 0.01$

براساس نتایج به دست آمده، میانگین نمره زنان در روان پریش خویی، نوروزگرایی و دروغگویی بیش از مردان و در برون گرایی کمتر از مردان است. اما در میان این تفاوتها، تنها نمره زنان و مردان در دو بعد روان پریش خویی و نوروزگرایی به نحو معناداری متفاوت است. در ابعاد جهت گیری مذهبی تفاوت هایی بین دو جنس مشاهده می شود. میانگین نمره جهت گیری مذهبی مردان بیش از زنان، سازمان نیافتگی زنان بیش از مردان، است. با این حال تنها تفاوت معنی دار بین دو جنس در سازمان نیافتگی مذهبی مشاهده می شود.

همبستگی بین مذهب و شخصیت

نتایج همبستگی پیرسون در جدول شماره دو ارائه شده است. در این جدول چهار بعد شخصیتی با چهار بعد از جهت گیری مذهبی با یکدیگر در رابطه گذاشته شده اند.

جدول شماره (۲) ضرایب همبستگی پیرسون برای متغیرهای مورد مطالعه

	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱- روان پریش خویی								۱/۰	
۲- نوروز گرایی							۱/۰	۰/۰۸	
۳- دروغگویی						۱	۰/۱۵	۰/۰۱	
۴- برون گرایی					۱	-۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۲۲	
۵- جهت گیری مذهبی				۱	-۰/۱۳	۰/۱۹	-۰/۲۹**	-۰/۴۶**	
۶- سازمان نیافتگی			۱	-۰/۴۰**	-۰/۱۳	-۰/۰۶	۰/۶۲**	۰/۳۴**	
۷- ارزشده سازی مذهبی		۱	-۰/۳۱**	۰/۶۶**	۰/۰۲	۰/۲۶*	-۰/۲۶**	-۰/۲۱*	
۸- کامجویی	۱	-۰/۱۹	۰/۱۶	-۰/۲۲	۰/۱۸	-۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۱۶	

** p < ۰/۰۱ * p < ۰/۰۵

بر اساس نتایج بعد جهت گیری مذهبی به نحو معنی داری با روان پریش خویی و نوروز-گرایی دارای رابطه ای منفی است. سایر روابط اندک و در حد معنا دار نیست. در عوض بعد سازمان نیافتگی مذهبی، با سه بعد از ابعاد شخصیت آیزنک دارای رابطه ای معنی-دار است. سازمان نیافتگی مذهبی بالاترین مقدار همبستگی مثبت را با نوروز گرایی و پس از آن با روان پریش خویی نشان می دهد. رابطه ای بین سازمان نیافتگی مذهبی و برون گرایی معنی دار نیست. بعد ارزشده سازی مذهبی نیز با نوروز گرایی به نحو قابل توجهی به صورت منفی رابطه دارد. این در حالی است که ارزشده سازی با دروغگویی نیز رابطه دارد. این رابطه مثبت و معنی دار است. این در حالی است که ارزشده سازی مذهبی نیز با روان پریش خویی، ارتباط معنی داری نشان نمی دهد. بعد کامجویی، با هیچ یک از ابعاد شخصیت رابطه ای معنی دار نشان نمی دهد.

پیش بینی کننده های جهت گیری مذهبی

هنگامی که متغیرهای شخصیتی و متغیرهای دموگرافیک در معادله ی رگرسیون به عنوان متغیرهای پیش بین و جهت گیری مذهبی به عنوان متغیر ملاک وارد شدند،

تحلیل ANOVA الگوی معنی‌داری را نشان می‌دهد $P < 0/000$ و $(F(5,74))$. اما در ضرایب رگرسیون، هیچ‌یک از متغیرهای سن، جنس و تحصیلات به‌نحو معنی‌داری به پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی نمی‌پردازند. در عوض دو متغیر شخصیتی به‌نحو قابل توجهی به‌عنوان متغیرهای پیش بین حضور دارند. بعد روان‌پریش‌خویی و نوروزگرایی با رابطه‌ای منفی به پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی می‌پردازند. بعد روان‌پریش‌خویی با $B = -0/48$ و $P < 0/000$ نخستین متغیر و بعد نوروزگرایی با $B = -0/31$ و $P < 0/003$ بالاترین وزن پیش‌بینی را دارند. تا توجه به علامت منفی در مقدار B، این بدان معنی است که با کاهش روان‌پریش‌خویی، مقدار جهت‌گیری مذهبی افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج این پژوهش، رابطه ابعاد شخصیت و جهت‌گیری مذهبی الگوی معنی‌داری به دست می‌دهد. جهت‌گیری مذهبی بالاترین رابطه‌ی منفی و سازمان‌نیافتگی مذهبی بالاترین همبستگی مثبت و معنی‌دار را با روان‌پریش‌خویی نشان می‌دهند. در بعد نوروزگرایی، بالاترین مقدار همبستگی از آن سازمان‌نیافتگی مذهبی است در حالی که جهت‌گیری مذهبی و ارزنده‌سازی مذهبی به‌صورت منفی با نوروزگرایی در رابطه‌اند. در بعد دروغ‌گویی نیز هم‌چنان که قابل پیش‌بینی بود، ارزنده‌سازی مذهبی تنها رابطه مثبت و معنی‌دار را نشان داد. رابطه بین برون‌گرایی نیز با هیچ‌یک از ابعاد جهت‌گیری مذهبی، رابطه‌ای نشان نمی‌دهد.

بررسی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی در زنان و مردان یکسان است و این یافته با یافته‌های آرچیل^۱، بیت‌هالالی^۲، ۱۹۷۵؛ پالوتزیان^۳، ۱۹۹۶؛

که به تفاوت دو جنس در مذهبی بودن اشاره کرده‌اند ناهماهنگ و با یافته‌های مالتبی (۱۹۹۵) که عدم تفاوت دو جنس را در مذهبی بودن تصریح کرده است، هماهنگ

1- Argyle
3- Paloutzian

2- Beit-Hallahmi

است. هم‌چنین نتایج این پژوهش یافته‌های اگان و دیگران (۲۰۰۴) را در خصوص ضرورت توجه به متغیرهای دموگرافیک در مطالعات مربوط به مذهب و شخصیت را به صورت کلی تایید کرده اما صرفاً بر تفاوت دو جنس در برخی از ابعاد جهت‌گیری مذهبی و ابعاد شخصیت تأکید دارد. هم‌چنین برخلاف پژوهش اگان و دیگران (۲۰۰۴)، ورود متغیرهای دموگرافیک در معادله رگرسیون هیچ تغییری در نتایج رابطه‌ی بین شخصیت و مذهب پدید نمی‌آورد.

علاوه‌بر نکات فوق نتایج این پژوهش با یافته‌های مالتبی (۱۹۹۹) مبنی بر رابطه‌ی منفی بین روان‌پریش‌خویی و جهت‌گیری مذهبی درونی هماهنگ است و با یافته‌های جانسون و دیگران (۱۹۸۹)؛ رابینسون (۱۹۹۰) مبنی بر عدم رابطه‌ی بین روان‌پریش‌خویی و جهت‌گیری مذهبی ناهماهنگ است. این پژوهش رابطه‌ی منفی بین مذهب و روان‌پریش‌خویی را تایید می‌کند.

اما مهم‌ترین نکته این است که در هر صورت ناهماهنگی نتایج پژوهش‌های مختلف در این حوزه را چگونه می‌توان تفسیر کرد. ناهماهنگی در پژوهش‌ها را به صورتی کلی می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱- حضور متغیرهای میانجی که رابطه‌ی بین مذهب و شخصیت را تعدیل کرده و نادیده گرفتن آنها منجر به تولید نتایج متفاوت می‌گردد. شواهد اگان و دیگران (۲۰۰۴) در این زمینه قابل توجه است.

۲- نارسایی ابزارهای اندازه‌گیری به‌ویژه هنگامی که نمونه‌ها از جامعه‌هایی استخراج می‌گردد که ابزارهای مورد استفاده قادر به محاسبه‌ی واریانس لازم در اندازه‌های مورد نظر نیست. ملاحظه‌ی مالتبی (۱۹۹۹) در خصوص نمونه‌های دانشجویی ناظر بر این نکته است.

۳- ضرورت استفاده از آزمون‌های مناسب‌تر به منظور بررسی طیف‌های وسیع‌تری از ابعاد مذهبی بودن. باتوجه به تنوع رفتارهای مذهبی و نیز پیچیدگی ساختارهای درون روانی مذهب، می‌توان مقیاس‌های متفاوتی از اندازه‌گیری مذهبی را مورد توجه قرار داد. ابعاد بین فرهنگی مذهب، به‌ویژه واجد اهمیت است. تعالیم، آموزه‌ها و سبک‌های مختلف عبادات و آیین‌ها ضمن آن که واجد نکات مشترکی است، اما تفاوت‌های بسیاری نیز در ادیان مختلف از خود به نمایش می‌گذارد. انجام مطالعه بدون توجه به این ملاحظه می‌تواند بخشی از ناهماهنگی‌های موجود را تبیین کند.

این پژوهش در جامعه‌ای اسلامی و بر نمونه‌های مسلمان اجرا شده است. بدیهی است که نتایج آن را نمی‌توان بر همه‌ی جوامع قابل انطباق دانست. علاوه بر آن در بررسی سن باید در پژوهش‌های آتی به دامنه‌ی وسیع‌تری از سن توجه داشت. اما علیرغم این نکات به این دستاورد باید تاکید داشت که بهره‌گیری از آزمون‌های مختلف و کاهش خطای احتمالی در اندازه‌های مربوط به مطالعات مذهبی می‌تواند نتایج متنوع‌تری را پدید آورد.

تاریخ دریافت نسخه‌ی اولیه‌ی مقاله: ۸۶/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت نسخه‌ی نهایی مقاله: ۸۷/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۰۲/۳۰

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

منابع

- بهرامی احسان، هادی و تاشک، آناهیتا (۱۳۸۳). ابعاد روابط بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی؛ ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، سال چهارم، شماره ۲ صفحه ۴۱-۶۳.
- بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۴). *بررسی روایی و اعتبار و هنجاریابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی*. طرح پژوهشی مصوب دانشگاه تهران.
- ندرمحمدی مقدم، مهریار (۱۳۷۷). *هنجاریابی و بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه‌ی شخصیتی آیزنک (EPQ)*. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- Allport, G.W., & Ross, J.M. (1967). Personal Religious Orientation and Prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 432-433.
- Argyle, M., & Beit-Hallahmi, B. (1975). *The Social Psychology of Religion*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Bahrami Ehsan, H. & Tashk, A. (2004). Aspects of Relation between Religious Orientation and Mental Health: Assessment of Religious Orientation Scale. *Journal of Psychology and Education*, 34, 2, 41-63.
- Egan, E.; Kroll, J.; Carey, K.; Johnson, M. & Erickson, P. (2004). Eysenck Personality Scales and Religiosity in a US Outpatient Sample. *Personality and Individual Differences*, 37, 1023-1031.
- Eysenck, H.J., & Eysenck, M.W. (1985). *Personality and Individual Differences: A Natural Science Approach*. New York: Plenum.
- Falsetti, S.A., Resick, P.A., & Davis, J.L. (2003). Changes in Religious Beliefs Following Trauma. *Journal of Traumatic Stress*, 16, 391-398.
- Ford, T.R. (1960). Status, Residence and Fundamentalistic Religious Beliefs in Southern Appalachians. *Social Force*, 39, 41-49.
- Genia, V., & Shaw, D.G. (1991). Religion, Intrinsic-extrinsic Orientation and Depression. *Review of Religious Research*, 32, 274-283.

- Gorsuch, R.L., & Venable, G.D. (1983). Development of an "Age-Universal" I-E scale. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 22, 181-187.
- Johnson, R.C., Danko, G.P., Darvill, T.J., Bochner, S., Bowers, J.K., Huang, Y.-H., Park, J.Y., Pecjak, V., Rahim, A. R.A., & Pennington, D. (1989). Cross Cultural Assessment of Altruism and its Correlates. *Personality and Individual Differences*, 10,855-868.
- Kahoe, R.D., & Meadow, M.J. (1981). A Developmental Perspective on Religious Orientation Dimensions. *Journal of Religion and Health*, 20, 8-17.
- Maltby, J. (1995). Personality, Prayer and Church Attendance among U.S. Female Adults. *The Journal of Social Psychology*, 135, 529-531.
- Maltby, J., & Lewis, C.A. (1996). Measuring Intrinsic and Extrinsic Orientation Toward Religion: Amendments for use Among Religious and Non-religious Samples. *Personality and Individual Differences*, 21, 937-946.
- Maltby, J., McCollam, P., & Millar, D. (1994). Religiosity and Obsessionality: A Refinement. *Journal of Psychology*, 128, 609-611.
- Maltby, J., Talley, M., Cooper, C., & Leslie, J.C. (1995). Personality Effects in Personal and Public Orientation Toward Religion. *Personality and Individual Differences*, 19, 157-163.
- Maltby, J., (1999). Religious Orientation and Eysenck's Personality Dimensions: The Use of the Amended Religious Orientation Scale to examine the Relationship Between Religiosity, Psychoticism and Extraversion. *Personality and Individual Differences*, 26, 79-84.
- Paloutzian, R.F., (1996). *Invitation to the Psychology of Religion* (2nd Ed.) Massachusetts: Allyn and Bacon.
- Robinson, T.N., (1990). Eysenck Personality Measures and Religious Orientation. *Personality and Individual Differences*, 11, 915-921.